

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

ایسکرا

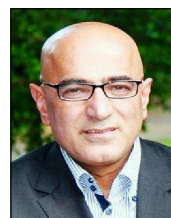
۷۰۵

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۲۱ آذر ۱۳۹۲، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۳

سردبیر عبدالکبیریان

دشمنی با آزادی و انسانیت



نسان نودینیان

روزنامه نگاران و فعالین سیاسی نیست. این ترور تنها شاهد دیگری است بر ماهیت ارتجاعی احزاب ناسیونالیستی است که دشمنی اش با آزادی و انسانیت را در طول قریب دو دهه در ابعاد خونین به نمایش گذاشته است. دشمنی و ضدیت اینها با آزادی بیان و آزادی های مدنی تازه نیست. فتوای قتل کمونیستها، ترور و کشتن کادرهای حزب کمونیست کارگری و سکوت در برابر قتلهای ناموسی و فشار بر جنبش برابری زنان تاکیدی دیگر بر ماهیت ارتجاعی. قبیله ای این احزاب است.

مادر کاوه گرمیانی شاهد زنده این ترور است. او را در آغوش مادرش کشتند.

این حاکمیت و این قدرت
صفحه ۲

غروب روز پنجشنبه ۵ دسامبر ۲۰۱۳، در "شهر کلار در منطقه گرمیان کردستان" روزنامه نگار آزادیخواه و منتقد سردبیر مجله رایه ل و یکی از همکاران آرانس شا وینه نیوز در کردستان، کاوه گرمیانی در جلو ساختمان محل مسکونی اش در آغوش مادرش ترور شد.

ترور کاوه گرمیانی اولین مورد از ضدیت و دشمنی احزاب عشیره ای مسلح بر علیه نسل جدید از

نگاه هفته / مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

کرده و بسیاری از اجناس آنان را به غارت بردند که این عمل با واکنش مردم مواجه شد و شخصی از میان مردم با صدای بلند اعتراض خود نسبت به این عمل غیر انسانی را نشان داد که متأسفانه ماموران به صورت دسته جمعی به شخص مذکور به شیوه ای بسیار وحشیانه ای حمله ور شدند و او را مورد ضرب و شتم قرار دادند به گونه ای که از ناحیه سرو صورت زخمی و به خاطر جراحات شدید راهی بیمارستان شد. این دست فروشان از روی ناچاری در سرما و در زیر برف و باران برای بدست آوردن اندک

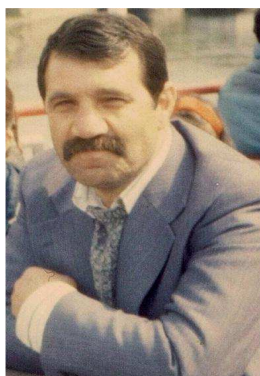
۱۷ آذر ۱۳۹۲: ۳۶ دانش آموزان یک دبیرستان دخترانه در مریوان مسموم شدند.

۳۶ دانش آموز به دلیل "گاز کرینیک" دچار مسمومیت شدند. "جدا شدن لوله بخاری در یکی از کلاسهای دبیرستان نمونه دولتی دخترانه مریوان، عامل مسمومیت این تعداد دانش آموز شد."

حمله نیروهای سد معبر شهرداری سنندج به دست فروشان

روز سه شنبه ۹/۱۲/۹۲ ماموران سد معبر وابسته به شهرداری شهر سنندج به دست فروشان واقع در میدان انقلاب حمله

بیوگرافی کوتاهی از رفیق عمر احمدزاده (عومه رنگلی)



آشنا و در همین سال با فاتح شیخ الاسلامی آشنا و فاتح در این کتابفروشی به او پیشنهاد همکاری میدهد. رشد سنین نوجوانی عمر احمدزاده با فضای سیاسی دگرگون شده سالهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ همزمان بود. در آن دوره غرور و عرق ملی در آرمانهای روز

صفحه ۲

عمر رفیق عزیزی که از میان ما رفت.

عمر احمدزاده معروف به عومه رنگلی "در اول فروردین سال ۱۳۲۳ در روستای نگل متولد شد. او فرزند پنجم این خانواده است.

از سال ۱۳۳۸ به بعد در شهر سنندج و در تنها کتابفروشی این شهر با «کتابفروشی غریقی»

احزاب حاکم کردستان، باز هم خوش خدمتی به جمهوری اسلامی



جمله در کردستان عراق انعکاس خشم و نفرت مردم به اعدامهای وسیعی بود که در یک ماه گذشته انجام شد.

در کردستان عراق مهاجرین ایرانی در مقابل کنسولگری رژیم اسلامی در شهر هه ولیبر تجمع اعتراضی خود را سازمان

صفحه ۴

اسد نودینیان نزدیک به یک ماه قبل در اعتراض به اعدامها در ایران در شهر اربیل همچون دهها شهر دیگر در سطح جهان تظاهرات علیه اعدامها در ایران توسط مهاجرین ایرانی سازمان داده شد. تظاهرات و اعتراضات گسترده در کشورهای اروپایی و از

برگزاری سالروز حادثه آتش سوزی شین آباد در پارک لاله تهران

صفحه ۶



صفحه ۵

همانگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران در نامه ای خطاب به وزیر کار

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ دشمنی با آزادی...

فئودالی. عشیره ای ننگ بشریت است. یک مشت جانی و قاتل چپاولگر را در صفوفشان مسلح کرده اند اینها دزدان و چپاولگران گانگستری هستند که کاری بجز

غارت زندگی مردم در شکل مسلحانه در شهرهای کردستان عراق را ندارند. جرم کاوه گرمیانی افشا ماهیت این گانگسترهای جنایتکار بوده است. اینها با ضدیتشان با افکار

مردن و آزادیخواهانه ماهیت ارتجاعی و واپسگرایی خود را به نمایش گذاشته اند. ترور کاوه گرمیانی محکوم است. فعالیت و امنیت و آسایش روزنامه نگاران، دستگیری آمرین و افرادی که در این جنایت دست داشته اند باید توسط

حکومت منطقه ای "اقلیم" تامین شود. حزب کمونیست کارگری ایران از آزادی بیان و مدنی مستقل از عقیده و مرام سیاسی شان قاطعانه دفاع میکند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به خانواده و بویژه مادر 'کاوه گرمیانی'، دوستان و مردم شهرهای کردستان عراق مراتب همدردی و تسلیت را اعلام میکند.

از صفحه ۱ بیوگرافی کوتاهی از...

جوانان در کشورهای ایران و عراق وارد میشود. در اروپا این سالها آغاز دوره آرمانخواهی خیابانی، موزیک جوانان ناراضی و موج تظاهراتی خیابانی دانشجویان و اعتراضات جنبش کارگری در فابریک و کارخانه ها است. میلیونها جوان ناراضی علیه جنگ ویتنام در خیابانهای مهمترین شهرهای دنیا با گروه بیتلها و موزیک ناراضیان جامعه در خیابانها بودند.

کاک عمر در همین سالها اشعار دیگری از جمله شعر «سنگر» را سروده است. عمر با ادبیات کردی آشنایی کافی داشت. در سال ۱۳۴۶ عمر با پروانه فلاحتکار ازدواج میکند که حاصل این ازدواج ۴ فرزند «زردشت» نه به ز.رزگار و یادگار» هستند.

از سال ۱۳۴۹ با عادی شدن وضعیت امنیتی همراه پروانه و اولین فرزندش (زردشت) به شهر میروان نقل مکان میکنند و تا دوره قیام ۱۳۵۷ در این شهر زندگی میکنند. در این شهر مدتی در مدارس در شغل معلمی استخدام میشود و سپس برای امرار معاش زندگی شغل. عریضه نویسی. را در مغازه ای که اجاره کرده بود، انتخاب میکند. این شغل رابطه انسانی و صمیمانه و بسیار دلسورانه او را با توده های مردم مراجعه کننده محکم کرده بود. به همین دلیل بر میزان محبوبیت و نفوذ اجتماعی اش افزوده شد. اسم "عمر نگلی" در شهر و روستاهای میروان و سنندج نامی آشنا و محبوب بود.

کاک عمر در همین سالها است که با طیف وسیعی از انقلابیون کمونیست شهر میروان آشنا میشود. و همزمان عمر در ارتباط وسیعتری با شخصیهایی است که در دوره های گذشته در فضای سیاسی کردستان فعال بوده اند و یا اینکه تعدادی از آنها در زمینه شعر و ادبیات زبان کردی فعال بودند، قرار میگیرد.

عمر با علی قطبی که برای مردم منطقه ژاوه رود و همچنین مردم شهرهای سقز و میروان نامی آشنا و محبوب است ارتباط

نزدیکی داشت. با او دوست و همرمز بود. با او در شروع فعالیتهاش در ارتباط بود. علی قطبی یکی از بنیانگذاران «سازمان کومه له یکسانی» بود. و سپس به صفوف کومه له پیوست و در درگیری با سازمان ارتجاعی "رزگاری" در روستای بیساران جانباخت.

سال ۱۳۵۵ بود که همراه عمر و رفیق غلام قاسم نژاد از شهر میروان به سقز و بوکان سفر کردیم. قبل از ما احمد مفتی زاده که همزمان او هم در بوکان بود و برای سازماندهی محافل «مکتب قران» به شهرهای کردستان سفر میکرد و جوانان را به شرکت در جلسات دعوت میکرد به یکی از میزبانان ما «ملا عمر عصری» گفته بود که شنیده است عمر همراه تعدادی از رفقایاش به بوکان میاید و گفته بود که «عمر خطرناک» است.

عمر در میان طیف وسیع روشنفکران کرد با پایه طبقاتی گوناگون محبوب بود. و اینها در حلقه روابط او بودند. و تا آخرین روزهای اقامت در میروان این روابط را حفظ کرده بود. کاک عمر درست در شرایطی بسیار تعیین کننده در کنار انقلابیون و کمونیستها قرار گرفت. در حمایت از کوچ مردم داریسران که علیه مالکین و فئودالها و دستگاه فساد ارگانهای دولت در زمان قدرت «رژیم شاه» بطرف مرز عراق انجام شد، فعالانه شرکت داشت. در جریان تظاهراتی ماه های قبل از قیام دوش به دوش فعالین انقلابی و مردم شهر میروان فعالانه شرکت کرد.

در جریان اولین تظاهرات علنی در شهر میروان مغازه عمر که در آن دستگاه ماشین «فتو کپی» هم بود به یکی از مکانهای مهم سازماندهی این تظاهرات که بمناسبت روز معلم سازماندهی شده بود تبدیل شد. اعلامیه های این

تظاهرات هم در مغازه او تکثیر شد.

در جریان جنبش مقاومت اول و در دوره تشکیل بنکه ها و حمله به پادگان میروان منزل عمر در اختیار واحدهایی از نیروی مسلح شهر بود. در زمستان سال ۱۳۵۸ کومه له رفیق فاتح شیخ الاسلامی را بعنوان کاندیدای نمایندگی شرکت در مجلس را معرفی کرده بود. ما همراه یک واحد از نیروهای مسلح از روستای سروآباد به نکل رفتیم. با فاتح شیخ به منزل عمر رفتیم و از او دعوت کردیم در جوله و یا گشت ما در روستاهای منطقه ژاوروو همراه ما بیاید. حضور او برای ما مهم بود. مردم این منطقه بویژه روستاهای "بوریدر" و "چشمیر" به نیروهای کومه له حساس بودند. با عمر در مورد اهمیت این ماموریت صحبت کردیم. او با کمال میل دعوت ما را پذیرفت و در پیشاپیش نیروهای مسلح با ما همراه شد. در روستای «چشمیر» مرتعین محلی ناباورانه عمر را همراه ما دیدند. یکی از آنها به عمر نزدیک شد و گفت «ملا عمر چرا همراه این کمونیستها هستی» عمر در جواب به این مرتجع گفت من کمونیستم و به این دلیل همراهشان هستم.

عمر احمد زاده از سال ۱۳۵۸ رسماً فعالیت سیاسی و حرفه ای را با کومه له شروع میکند. ابتدا در تشکیلات میروان و در بخش روابط عمومی و ارتباطات سازماندهی میشود. و سپس از همان بدو تاسیس رادیو صدای انقلاب ایران در

آن ارگان سازماندهی میشود. و سالها یک رکن فعالیت رادیو صدای انقلاب بود. چند ماه قبل از اعزام به آلمان در ارگان «روابط عمومی» تشکیلات آسوس کومه له بود. بدلیل روحیه متانت، و محبوبیت و مردمی بودنش در شهر سلیمانیه بیشترین روابط با مردم و

بویژه ساکنین محلاتی که مقرهای کومه له در آنجا بودند، فراهم کرده بود.

عمر همراه پروانه و ۴ فرزندش در سال ۱۹۸۹ به آلمان مهاجرت میکند. بعد از مدت کوتاهی با واحدهای حزب کمونیست ایران ارتباط میگیرد و همراه زردشت و تعدادی از فعالین حزب حوزه حزب را تشکیل و یکی از فعالیتهای این حوزه پخش اطلاعیه های حزب در میان کارخانه ها است. با فراسیون پناهندگان همکاری میکند. و در مقطع انتشار سال ۱۹۹۱ از فعالیت حزبی کنار میروود.

عمر احمدزاده را کسی نمیتواند از سر موقعیت حزبی و سازمانی ارزیابی کند. عمر استقلال فکری و سیاسی ویژه خود را داشت. در بحث و گفتگو قانع کردن او آسان نبود. با وجود پایفشاری بر نظرات خود اما همیشه جانبدار و دارای رای و ایده مستقل بود. به محافل بحث و گفت و گو علاقمند بود. در بیشتر جلسات سیاسی شرکت میکرد. در بیان نظراتش در عین استقلال فکری ویژه ای که داشت با انعطاف و با استدلال بود. از تجربه کردستان عراق حمایت میکرد. در مخالفت با اسلام سیاسی آشتی ناپذیر بود. او بشدت ضد مذهب و خرافه پرستی بود. روابط او در میان ایرانیان مهاجر وسیع بود. از حلقه و دایره محدود روابط، گریزان بود و این نوع از روابط را زیر نقد میگرفت. از موزیک و فضای شاد لذت میبرد. رقص و "هه لپرکی" کردی را دوست میداشت. همراه پروانه بشدت مهمان نواز بودند.

عمر عزیز همیشه و تا آخر زندگی پر احساس خود، علاقه ویژه ای به همسرش پروانه داشت. با فرزندانش رابطه صمیمانه و در عین حال سختگیرانه ای داشت.

از صفحه ۱ نگاه هفته...

پولی برای گذران زندگی بخور و نمیر مشغول به این کار هستند و هر روز از بیم و هراس اینکه مبادا نیروهای سد معبر برسند و اجناس آنها را به غارت ببرند روز را به شب می رسانند و دریغ از اینکه هر بار عده ای از آنها طعمه این ماموران شده و همین اندازه سرمایه ناچیز خود را نیز از دست می دهند. کمیته هماهنگی ضمن محکوم کردن ضرب و شتم دست فروشان و به غارت بردن اجناس آنها، اعلام می دارد این وظیفه دولت و شهرداری هاست که در نبود امنیت شغلی و بیکاری روز افزون، با قرار دادن مکانهایی در اختیار این عزیزان از آنها حمایت کند.

ادامه بازداشت افشین ندیمی و مهرداد صبوری محکوم می باشد

بعد از گذشت نزدیک به یک ماه از بازداشت افشین ندیمی و مهرداد صبوری، از اعضای کمیته هماهنگی در شهرستان کامیاران، هنوز علت دستگیری آنان در هاله ای از ابهام قرار دارد. این دو نفر، به مانند هزاران کارگر مهاجر، به خاطر بیکاری و نبود فرصتهای شغلی مناسب و دستمزدهای زیر خط فقر، راهی کردستان عراق شده تا شاید از این طریق لاقفل برای دوره ای کوتاه به زندگی خود و خانواده هایشان سر و سامان بخشیده حتی المقدور از کابوس فقر و تنگدستی رهایی یابند. این عزیزان بعد از مدتها دوری از خانواده و تحمل شرایط مشقت بار کار در کردستان عراق، در تاریخ ۱۷ آبان، هنگام بازگشت به ایران در مرز بانه بازداشت و بعد از چند روز روانه بازداشتگاه اداره اطلاعات شهرستان کامیاران گردیدند. طی این مدت، با وجود مراجعات متعدد و پیگیرانه خانواده هایشان، هنوز اطلاع دقیقی از وضعیت آنان به دست نیامده است؛ زیرا کارگزاران اداره اطلاعات کامیاران، در نهایت بی مسئولیتی، از پاسخگویی به خانواده های این عزیزان سر باز زده و حتی اجازه ملاقات و تماس تلفنی را از آنان سلب نموده اند که این وضعیت موجب نگرانی خانواده، دوستان و سایر فعالین کارگری شده است. سرمایه داری در ایران (و البته

بسیاری از نقاط جهان نیز) به دلیل ناتوانی در کنترل و مهار بحران، تلاش می کند تا با تشدید استعمار و فشار بر کارگران و بازپس گیری حداقل دستاوردهای این طبقه که حاصل سال ها تلاش و مبارزه کارگران در دوره های متفاوت بوده است حتی المقدور بحران و پیامدهای ویران گر آن را به اشکال مختلف به زندگی کارگران منتقل نماید. حرص و ولع سیری ناپذیر سرمایه داران برای انباشت روزافزون سرمایه و کسب سودهای نجومی، و همزمان تهاجم افسارگسیخته به جنبش کارگری و فعالان این جنبش را، که صرفاً برای به سکوت کشاندن آنان صورت می گیرد، تنها و تنها باید در این راستا توضیح داد. بی جهت نیست که حامیان و مدافعین نظام سرمایه داری، در رودرویی با اعتراضات به حق کارگران حتی آن جا که حقوق حقه و مسلم آنان پایمال می گردد اینچنین بی رحمانه به صفوف کارگران حمله ور شده و خواست ها و مطالبات آنان را تنها با تهدید و ارباب و بازداشت و زندان پاسخ می دهند. آن زمان که "ساحت مقدس سرمایه و سود" به زیر ستوال برود، سرمایه چیزی جز زبان زور و تهدید نمی شناسد. بازداشت این دو عزیز (افشین ندیمی و مهرداد صبوری) و دستگیری و زندان دیگر کارگران و فعالان کارگری، حمله به مجمع عمومی سالانه ی کمیته هماهنگی و ضرب و شتم و هتک حرمت اعضا و فعالین آن و همین طور فشار و سرکوب کارگران و فعالان دیگر جنبش های اجتماعی همچون جنبش زنان و جنبش دانشجویی را تنها می توان از این طریق توضیح داد. دستگیری چهار تن از نمایندگان کارگران صنایع نساجی پلی اکریل اصفهان را که در قبال تهدید به امنیت شغلی کارگران این شرکت به سبب فعالیت های حامیان سرمایه سپرده شده اند غیر از منفعت طلبی لجام گسیخته و بی حساب سرمایه و حرص و ولع سرمایه داران به مثابه یک طبقه چه می توان نام نهاد ؟ هم اکنون بسیاری از کارگران و فعالان کارگری از جمله رضا شهابی، محمد جراحی، و ... سال هاست که تنها به دلیل دفاع از حقوق خود و هم طبقه ای هایشان در زندان به سر می برند. وفا قادری و غالب حسینی، از اعضای کمیته

هماهنگی باید عمر وزندگی خود را به دور از خانواده در زندان سپری کنند و خالد حسینی از دیگر اعضای کمیته هماهنگی نیز پس از محکومیت ۵/۱ ساله در دادگاه بدوی، در انتظار دادگاه تجدید نظر به سر می برد و برای چندمین بار به دادگاه احضار شده است تا احتمالاً تاوان دفاع جورانه و حق طلبانه خود از کارگران را به سرمایه داری و عوامل آن پس بدهد. و این ها تنها گوشه بسیار کوچکی از فشارها و مشکلاتی است که طبقه کارگر ایران و پیشروان و فعالان این جنبش با آن دست به گریبانند.

به باور ما ادامه بازداشت افشین ندیمی، مهرداد صبوری و دیگر پیشروان و فعالین کارگری، خود مهترتأیید دوباره ایست بر ادامه همان روند سرکوب گرایانه و سیاست های ضد کارگری سرمایه که دستور کار اصلی و همیشگی این نظام برای ممانعت از اوجگیری جنبش کارگری و گرایشات ضد سرمایه داری و طبقاتی کارگران است. این سیاست ها همچنین از جانب سرمایه اعمال می شود تا از ایجاد تشکل های مستقل و خود ساخته کارگری ممانعت به عمل آورند. روند حاکمیت سرمایه روند تیره و تاری است که تمامی چشم اندازهای کارگران و رنجبران را به تیره گی می گرایاند، و آینده آنان را همچون شمع در باد با خطر خاموشی و اضمحلال رو برو می کند. در چنین شرایطی و با وجود چنین نظامی، آلترناتیوی که قادر به نجات توده های کارگر و در نهایت جامعه خواهد بود تنها و تنها در اثر اتحاد فراگیر و طبقاتی کارگران صورت واقعبینانه خود خواهد گرفت که آن هم در سایه آگاهی طبقاتی و ایجاد تشکلهای مستقل و طبقاتی کارگران که زمینه ساز شکل گیری اتحاد سراسری طبقه کارگر را فراهم خواهد کرد میسر خواهد شد. کمیته هماهنگی ضمن محکوم نمودن مجموعه فشارها و تزییقات وارده بر کارگران، فعالان و تشکل های کارگری، خواهان پایان بخشیدن به این سیاست های ضد کارگری بوده، و در این راستا حمایت پیگیرانه و همه جانبه تمامی کارگران را در ایران و جهان برای آزادی تمامی این عزیزان خواستار است. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد

تشکلهای کارگری - ۹۲/۹/۱۴ حکم اعدام سه زندانی سیاسی بنامهای منصور آروند، علی افشاری و حبیب افشاری لغو شد و قرار است دوباره دادگاهی شوند.

علی افشاری و حبیب افشاری، دو شهروند اهل مهاباد که سه سال پیش از طرف دادگاه انقلاب این شهر به اعدام محکوم شده بودند، از طرف کمیسیون حقوق بشر اسلامی استان آذربایجان غربی به آنها ابلاغ شده است که حکم اعدام آنها لغو و مجدداً دادگاهی میشوند. از طرفی دیگر منصور آروند دیگر زندانی سیاسی محکوم به اعدام هم بدین شیوه حکم اعدامش لغو شده است و او هم قرار است دوباره دادگاهی شود. منصور آروند اهل مهاباد در خرداد ماه سال ۱۳۹۰ در منزل مسکونی خود بازداشت شد، به اتهام محاربه از طریق همکاری با یکی از احزاب کردی معاند نظام در شهریور ماه ۱۳۹۱ از سوی شعبه ۱ دادگاه انقلاب مهاباد به اعدام محکوم شده بود. علی افشاری متولد ۱۳۵۹ شمسی به همراه برادرش حبیب الله افشاری هم متولد ۱۳۶۷ شمسی اهل روستایی گوگجولو حبیبله از توابع شهر مهاباد که از سوی دادگاه انقلاب مهاباد به اتهام محاربه از طریق فعالیت تبلیغی و عضویت در یک حزب مخالف نظام از سوی دادگاه انقلاب اسلامی مهاباد به اعدام محکوم شده بودند که حکم صادره در دی ماه دو سال گذشته به آنها در زندان ارومیه ابلاغ شد که طولی نکشید که دیوان عالی کشور حکم اعدام این دو برادر را که خواستار تجدید نظر در حکم شده بودند را تأیید کرد. هنوز بیش از ۲۰ فعال نفر که با اتهام های سیاسی و امنیتی مواجهند در زندان های جمهوری اسلامی ایران در انتظار اجرای حکم اعدام هستند.

قتل و خشونت

به گزارش آژانس خبری موکریان، "بختیار مستانی" بر اثر تیراندازی افراد ناشناس به قتل رسیده و جسد وی روز جمعه ۱۵ آذرماه ۹۲ در محدوده جاده سد مهاباد پیدا شده است. در ۷ آذر جسد جوانی ۲۸ ساله به نام "جواد سهرابی" زیر پلی در مسیر جاده شاهو به پناه توسط

اهالی منطقه پیدا شد. در این باره شاهدان در محل به خبرنگار موکریان گفته بودند؛ آثار برجای مانده روی جسد جوان بیانگر آن بوده که مقتول از ناحیه شکم وسیینه با ضربات چاقو به قتل رسیده است.

طی ماه های اخیر حداقل ۵ مورد قتل مشکوک فقط در شهرستان بوکان گزارش شده است (م.احمدپور و همسر - محمدی - بهرامی - شکارچی) این در حالیست که مسئولان محلی از هرگونه اطلاع رسانی در این باره جهت تنویر افکار عمومی سر باز میزنند و در این زمینه اقدامات پیشگیرانه ای انجام نمیدهند و پس از چندی پرونده هایی از این دست به فراموشی سپرده خواهند شد تا اینکه با وقوع قتلی دیگر زخم مردم از شیندن اخبار آن تازه گردیده و فضای رعب و وحشت بر همشهریان سایه می اندازد و موجبات آلودگی ذهنی و روانی خانواده ها را فراهم می آورد.

همچنین هفته گذشته دو نفر (یک مرد و یک زن) در دو حادثه جداگانه توسط همسرهایشان در بوکان به قتل رسیده اند. قاتلان انگیزه خود را نفرت از همسر بیان کرده اند. در حادثه اولی زن هنگامی که همسر ۳۴ ساله اش در منزل خواب بوده با یک شی به سر او می کوبید و سپس با ضربات چاقو وی را به قتل می رساند و پس از آن دستگیر میشود. در حادثه دومی یک زن جوان ۲۸ ساله توسط همسرش با استفاده از روسری خفه میشود و مرد قاتل پس از کشتن همسرش خود را به یکی از کلانتری های این شهرستان معرفی میکند.

به گزارش "هرانا" دستگاه قضایی رژیم روز پنجشنبه ۱۴ آذرماه ۱۵ نفر در زندان دیزل آباد کرمانشاه و زندان مرکزی ایلام به دار آویخت. در این روز هفت زندانی بنا به ادعای مراجع قضایی رژیم به اتهام جرائم مرتبط با مواد مخدر در زندان دیزل آباد کرمانشاه اعدام شدند. همزمان هشت زندانی نیز در زندان مرکزی ایلام به دار آویخته شدند. هنوز از سوی مراجع قضایی رژیم در مورد هویت و اتهام این هشت تن گزارشی منتشر نشده است.

عمر در جریان از دست دادن فرزند عزیزش رفیق نه به ز که در اثر بیماری جانبخت بسیار مقاوم و درون دار بود. ستون مقاومت برای پروانه و فرزندانش بود. کم کردن این بار سنگین و سخت را با مراد و وسیع اجتماعی و رفاقت صمیمانه با دوستانش قابل تحمل میکرد.

در این سالها عمر بشدت مریض بود. چند سال متوالی تحت مداوای کنترل «دیالیز» بود. جسم قوی و خوش هیكل و جذاب او ضعیف شده بود.

با وجود تمام این نامالییات و سختی های تحمل از دست دادن «نه» به ز که عزیز و بیماری همیشه از دیدار رفاقتش بسیار خوشحال بود و تلاش میکرد در دایره وسیع دوستان و آشنایانش ها شرکت کند. و رفقای هرچه بیشتری به دیدن او بروند.

ختم کلام

تهیه زندگینامه یا بیوگرافی و عمر احمدزاده و داستان پیش از نیم قرن مبارزه او کار ساده ای نیست. پروژه ای با حجم وسیع، گسترده در جغرافیای سیاسی کردستان ایران و عراق است. در نیم قرن گذشته در دنیا و بویژه در ایران و عراق و خاورمیانه تحولات بسیار مهمی سرنوشت جامعه را دگرگون کرده است. در ایران از مقطع ده ساله شدن عمر احمدزاده رویدادهای ۱۳۳۲ صحنه سیاسی جامعه و آرایش و صف بندی طبقات اجتماعی را تحت تاثیر قرار میدهد. و در میانه این نیم قرن يك انقلاب مهم «انقلاب ۱۳۵۷» پایان و سرنوشتی حاکمیت نظامی دیکتاتوری «رژیم پهلوی» را اعلام میکند. در سه دهه گذشته مردم ایران با نظامی در مبارزه هستند که حاکمیت اسلام سیاسی و قوانین اسلامی را در شئون زندگی بیش از هفتاد میلیون انسان تحمیل کرده است. داستان بیش از نیم قرن مبارزه عمر در متن این تحولات بسیار جذاب و پر تنوع است. و اینها هنوز بخشهایی از رویدادهایی است که در زندگی و فکر و فعالیت عمر نقش داشته اند.

عمر در دو دهه اخیر عضو حزب

سیاسی معینی نبود. پهناوری و گستردگی نیمقرن تحولات سیاسی در زندگی و فکر عمر احمدزاده تاثیر گذار بوده است. به همین دلیل میخواهم اعلام کنم خانواده عزیز و گرامی عمر احمدزاده و به توصیه رفیق فاتح شیخ الاسلامی مسئولیت تهیه زندگینامه عمر احمدزاده عزیز را به من سپردند. این کار بس دشوار است و من به کمک اطلاعات و خاطره ها از نیم قرن مبارزه عمر تلاش خواهم کرد این پروژه را به سرانجام برسانم.

عمر احمدزاده خودش کار نوشتن زندگینامه اش را از چند ماه گذشته شروع کرده بود. در دستخط هایش به زبان کردی توانسته است مقدمه مختصری از زندگی دوران کودکی اش را بقلم بیاورد. ما با اتکا به همکاری طیف وسیع دوستان عمر موظفیم کاری را که عمر به انجام پایانش نرسید و از همان صفحات اول داغ غم از دست دادش را برای ما بجا گذاشته است، ادامه دهیم و در اختیار عموم بگذاریم.

کاک عمر در مقدمه دست نوشته اش مینویسد: «زندگی سپری میشود و رفقای قدیمی به من پیشنهاد کرده اند زندگینامه ام را بنویسم. آنها زندگی خصوصی ام را نمیخواهند. بلکه علاقمند به آن سلسله رویدادهایی هستند که در نیم قرن گذشته در دوران حیات سیاسی - اجتماعی من وجود داشته است و اگر من نتوانسته باشم در این رویدادها تاثیر گذار باشم، این، رویدادهای نیم قرن گذشته است که در زندگی من تاثیر گذاشته اند و آنرا رقم زده اند». و ادامه میدهد: «زندگی من برای خانواده ام موثر و کافی بود. اگر بتوانم تاثیرات این رویدادها را در زندگی ام منعکس کنم، آن کار مهمی است که باید انجام دهم».

شکوه عمر از سیر زندگی پر از آوارگی گوشه ای از تاثیرات رویدادها در زندگی او است. او میگوید: «به نوشتن علاقمندم. هر روز اتفاقات زندگی ام را مینویسم. یادداشت هایم هم زیاد بودند. و اینکه اینها را روزگاری به صورت

دادند. در اعتراض به این اعدامها کنسولگری را سنگباران نمودند.

همچنانکه در فرانسه و دانمارک مردم معترض به اعدامها لانه های جاسوسی جمهوری اسلامی را سنگباران کرده بودند. روز بعد از برپایی این تظاهرات در شهر هه ولیر از طرف حکومت اقلیم کردستان ابتدا طی اطلاعیه وزارت داخلیشان نوشتند که: «وزارت داخل این اقدام را آشوبگرانه دانسته و قول می دهد مسیبین را مجازات نماید».

سپس ۸ نفر از سازمان دهندگان این اعتراض را فراخوانده و دستگیر و به محل نامعلومی انتقال می دهند که تا کنون با وجود اعتراضات و تلاشهای که برای نجات جان آنها شده هنوز پرونده آنها معلق مانده است.

احزاب حاکم در خوش خدمتیشان به رژیم اعدام و کشتار اسلامی به این بسنده نکرده بلکه بنسبیه گفسته روزنامه «سبی» رئیس حکومتشان «نیچروان بارزانی»، استاندار شهر اربیل را فراخوانده و از او خواسته است که توضیح دهد که چه کسی اجازه تظاهرات علیه رژیم اسلامی را صادر کرده است!

استاندار گفته که او در آن روز در محل نبوده و رئیس پلیس این شهر این اجازه را داده است که به گفته این روزنامه بدنبال آن رئیس پلیس را از کارش برکنار و خانه نشین می کنند.

بدنبال این اعتراضات هفته قبل از طرف وزارت داخلیشان بیان

کتاب در آروم و قابل دسترس کنم از آرزوهایم بود. اما هر بار رویدادها آن اندازه سریع در زندگی ام تاثیر گذار میشدند که اولین قربانیان همین یادداشتها بودند که در معرض نابودی و گم و گور شدن قرار میگرفتند. یکبار سال ۱۳۴۴ در کردستان عراق، بار دوم در سال ۱۳۵۸ و بار سوم سال ۱۳۶۰ انبوهی از آنها را از دست دادم».

عزیزان! پروانه! زردشت! زرگار! یادگار! کاک عمر احمدزاده از میان ما رفت. زندگی او با بیش از پنج

کردند که کسی قصد تحویل دادن اینها را به ایران ندارد اما باید مراحل قانونی برای تحویل دادنشان به دادگاه و تعیین «جرائمشان» طی گردد. «شلیر بایری» وکیل مدافع و عضو کمپین برای آزادی این زندانیان طی مصاحبه با رادیو صدای آمریکا می گوید «ما تا هفته قبل امکان ملاقات آنها را نداشتیم تا بدانیم آیا ممکن است وکیل مدافعی برایشان داشته باشیم یا نه جویهای مختلفی دریافت می کردیم. می گویند کنسولگری جمهوری اسلامی شکایت کرده ولی دیگر نمی آید دنبال راهکار قانونی برای پیگیری شکایتشان را بکنند. از طرف دیگر يك از مقامات آنها می گوید مطابق ماده ۱۰ قانون تظاهرات دستگیرشان کرده ایم که اگر اینطور باشد می بایست می توانستیم با وکالت تا روز دادگاهیشان آزادشان کنیم، اما بعد از دوندگی زیاد دیروز قاضی به ما جواب داد که او نمی تواند آنها را آزاد کند، چرا که چون دستور، دستور او نیست. چرا که کنسولگری رژیم اسلامی که شکایت کرده نمی آید پرونده را پیگیری نماید.» دو شنبه ۲۵ ستمبر نیز در شهر اربیل در مقابل زندان این شهر تظاهراتی اعتراضی به همین منظور سازمان داده شده یکی از تظاهر کنند رو به میدیا می گوید: «گناه این دستگیر شدگان چیست آنها فرزندان مبارز این مملکت ند آنها را آزاد کنید تا دیگر ظلم روحانی را نپذیریم». او خطاب به مردمی که در محل ایستاده اند گفت: «پلیس ها در میان خود می گویند گویا من

مردم کردستان اکنون به خوبی باید بدانند که این احزاب تا چه اندازه به منافع آنها بی ربطند. برای احزاب در قدرت در کردستان عراق آزادی بیان، حق تجمع و حقوق شهروندی بخشی از پروژه مهمتر اینها «سازش» و «معامله» با دولتها است. دیروز در خدمت جنایتکارترین ارگان در ایران سپاه پاسداران و امروز با دولت ترکیه. مصاحبه شلیر بایری بخوبی باید این زنگ خطر را نشان داده باشد که باید برای نجات جان این دستگیر شدگان اقدامی نمود، باید تلاش نمود که هر چه زودتر آنها را از این بلا تکلیفی نجات داد. حرکت اعتراضی فرهاد پیربال (یکی از

دوستان عزیز! اینها يك بیوگرافی کوتاه و چکیده ای از داستان بیش از نیم قرن زندگی پر افتخار کاک عمر عزیز است. اینکه این داستان را نمیتوانم کامل عرضه کنم يك نقص واقعی است. وقایع و

مستم نگاه کنید من مستم یا به این ناعدالتی اعتراض دارم من دارم می گویم جرم این ۸ جوان چه بود مردم کردستان حق دارند از احزاب حاکم سؤال کنند که گناه و جرم این دستگیر شدگان چیست؟

آنها به چه چیزی اعتراض داشتند، چرا باید از ابتدائی ترین حقوق برای دفاع از خود محروم باشند؟ اگر «حکومتستان» قانون دارد و با «قانونتستان» دارید به این پروندهها رسیدگی می کنید مگر نباید اگر شاکی هست آنها را به «دادگاهایستان» فراخوانی و پرونده را رسیدگی کنید؟ اگر آنها به گفته خودتان حاضر نیستند پرونده را پیگیری کنند پس «عدالت و دادگاهستان» برای چیست که نمیتواند حکم صادر کند. آیا غیر از این است که همگی قانون و دادگاتان بازیچه دست رژیم اسلامی است؟

مردم کردستان اکنون به خوبی باید بدانند که این احزاب تا چه اندازه به منافع آنها بی ربطند. برای احزاب در قدرت در کردستان عراق آزادی بیان، حق تجمع و حقوق شهروندی بخشی از پروژه مهمتر اینها «سازش» و «معامله» با دولتها است. دیروز در خدمت جنایتکارترین ارگان در ایران سپاه پاسداران و امروز با دولت ترکیه.

مصاحبه شلیر بایری بخوبی باید این زنگ خطر را نشان داده باشد که باید برای نجات جان این دستگیر شدگان اقدامی نمود، باید تلاش نمود که هر چه زودتر آنها را از این بلا تکلیفی نجات داد. حرکت اعتراضی فرهاد پیربال (یکی از

شکافهای این نیم قرن مبارزه، رثالیسم این تاریخ، جدل و پروپاگاندایکهای این تاریخ را باید به طور کامل منعکس کرد.

با تمام احساس قلبی ام با همه شما در این آندوه بزرگ شریکم و تنها با همدردی عمیق است که همه ما میتوانیم آن را تحمل کنیم.

یاد رفیق همیشه عزیز عمر احمدزاده گرامی باد.

نسان نودینیان

هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران در نامه ای خطاب به وزیر کار

جناب وزیر! کاهش تورم نه کار شماس و نه مسئولیت شما، به وظیفه خود در مورد ماده ۴۱ قانون کار عمل کنید

بدنبال اظهارات وزیر کار در گزارش صد روزه اش در روز چهارشنبه گذشته در یک برنامه تلویزیونی، هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران در عکس العمل به این اظهارات نامه ای را خطاب به وزیر کار صبح دیروز به وزارت کار تحویل دادند و این نامه به شماره ۱۶۱۴۳۶ به ثبت رسید.

هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران در این نامه اعتراضی با اشاره به بی توجهی های وزارت کار به خواستههایشان و گسیل پلیس امنیت بر علیه کارگران در تجمع روز سوم آذر ماه در محل وزارت کار، نسبت به هر گونه تلاشی برای دور زدن ماده ۴۱ قانون کار هشدار داده و نوشته اند: جناب وزیر! باید بدانید گوش ما کارگران از این دست حرفها پر است. معنای عملی اظهارات شما چیزی جز منجمد کردن حداقل مزد و تداوم فقر و فلاکت میلیونها خانواده کارگری نیست. کاهش تورم نه وظیفه شماس و نه در حیطه مسئولیت وزارت کار. بنا بر این بهتر است جنابعالی با به اجرا گذاشتن ماده ۴۱ قانون کار و جبران خسارات ناشی از عدم اجرای کامل این ماده قانونی در طول سالیان دراز، به وظیفه قانونی خود عمل نمائید.

هماهنگ کنندگان طومار چهل هزار نفری کارگران در پایان این نامه ضمن اعلام مخالفت قاطعانه خود با هر توجیهی برای دور زدن ماده ۴۱ قانون کار نوشته اند: ما با تحویل نامه دوم خود به جنابعالی و تاکید چندین باره بر حقانیت مان نسبت به اجرای کامل و بی نقص ماده ۴۱ قانون کار، پیشاپیش مخالفت قاطعانه خود را با هر توجیهی برای دور زدن این ماده قانونی اعلام میداریم و تبعات ناشی از اعمال هر گونه بی قانونی در تعیین حداقل مزد را مستقیما متوجه جنابعالی به عنوان رئیس

شورایعالی کار و جناب آقای رئیس جمهور میدانیم. ما همچنین قطعنامه مطالباتی خود را که در تجمع مان در روز سوم آذر ماه در محل وزارت کار قرائت کردیم ضمیمه این نامه تحویل میدهیم و بار دیگر بدینوسیله خواهان رسیدگی فوری و عملی به خواستههای مطرح شده در این قطعنامه می باشیم.

متن کامل نامه هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی به وزیر کار به شرح زیر است:

جناب وزیر! کاهش تورم نه کار شماس و نه مسئولیت شما، به وظیفه خود در مورد ماده ۴۱ قانون کار عمل کنید

جناب آقای ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با سلام

بیش از سه ماه از صدارت شما بر وزارت کار گذشت، اما در این مدت، ۱- از وعده های انتخاباتی جناب آقای روحانی در مورد افزایش حداقل مزد کارگران چه از جانب جنابعالی و چه از جانب ایشان هیچ صحبتی شنیده نشده است ۲- شما در جوابیه ای به نامه هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران در مورد حداقل مزد و دیگر مطالبات کارگری تصریح کرده اید پاسخ همان است که در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد داده شده است ۳- در پی چنین جوابی از سوی جنابعالی، کارگران تعدادی از کارخانه های تهران تلاش کردند با تجمعی قانونی در محل وزارت کار اعتراض خود را مستقیما نسبت به بی توجهی آن وزارتخانه به خواستههایشان ابراز دارند اما با خیل نیروهای پلیس امنیت و برخورد خشونت بار آنان مواجه شدند ۴- آخرین اظهارات جنابعالی در مورد حداقل مزد حکایت از دور زدن ماده ۴۱ قانون کار و منجمد کردن حداقل مزد دارد. شما در گزارش صد روز خود تاکید کرده اید: "یک نگاه در تعیین مزد به تورم است، اما نمی خواهیم به یک جیب کارگر چیزی اضافه کنیم و از جیب دیگر او برداریم. بنابراین می خواهیم

تورم را کاهش دهیم تا قدرت خرید آن ها افزایش یابد"

جناب وزیر! باید بدانید گوش ما کارگران از این دست حرفها پر است. معنای عملی اظهارات شما چیزی جز منجمد کردن حداقل مزد و تداوم فقر و فلاکت میلیونها خانواده کارگری نیست. کاهش تورم نه وظیفه شماس و نه در حیطه مسئولیت وزارت کار. بنا بر این بهتر است جنابعالی با به اجرا گذاشتن ماده ۴۱ قانون کار و جبران خسارات ناشی از عدم اجرای کامل این ماده قانونی در طول سالیان دراز، به وظیفه قانونی خود عمل نمائید و بدانید ما کارگران با توجه به افزایش متوسط حداقل مزد در سه سال گذشته به میزان ۱۷ درصد و افزایش چندین برابری هزینه های زندگی در طول این مدت، دیگر مطلقا تحمل شرایط فلاکتبار

اقتصادی موجود را نداریم و بدینوسیله ضمن هشدار نسبت به هر گونه تلاشی برای دور زدن ماده ۴۱ قانون کار، از شما به عنوان رئیس شورایعالی کار می خواهیم بر طبق این ماده قانونی و با محوریت تامین شرافتمندانه هزینه يك خانوار چهار نفره که در این ماده با قید "باید" بر آن تاکید شده است نسبت به تعیین حداقل مزد اقدام نمائید و لاغیر.

ما با تحویل نامه دوم خود به جنابعالی و تاکید چندین باره بر حقانیت مان نسبت به اجرای کامل و بی نقص ماده ۴۱ قانون کار، پیشاپیش مخالفت قاطعانه خود را با هر توجیهی برای دور زدن این ماده قانونی اعلام میداریم و تبعات ناشی از اعمال هر گونه بی قانونی در تعیین حداقل مزد را مستقیما متوجه جنابعالی به عنوان رئیس

شورایعالی کار و جناب آقای رئیس جمهور میدانیم. ما همچنین قطعنامه مطالباتی خود را که در تجمع مان در روز سوم آذر ماه در محل وزارت کار قرائت کردیم ضمیمه این نامه تحویل میدهیم و بار دیگر بدینوسیله خواهان رسیدگی فوری و عملی به خواستههای مطرح شده در این قطعنامه می باشیم.

هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران: جعفر عظیم زاده - پروین محمدی - شاپور احسانی - راد - شیث امانی - شریف ساعد پناه - جمیل محمدی

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۹ آذر ماه ۱۳۹۲

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

**سرنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!**

برگزاری سالروز حادثه آتش سوزی شین آباد در پارک لاله تهران



دست داده بودند. همچنین انگلستان دست تعداد دیگری از مصدومین نیز به دلیل شدت سوختگی قطع شده بود.

در پی این حادثه حمید رضا حاجی بابایی وزیر آموزش و پرورش، روز یکشنبه (۹ دسامبر) با حضور در مجلس و اعلام عذر خواهی از وقوع این آتش سوزی اظهار داشته بود از الان تا قیامت بابت هر اتفاقی که در آموزش و پرورش می افتد عذر خواهی می کنم.

صبح روز ۱۵ آذر ماه بر اثر آتش گرفتن بخاری نفتی یکی از کلاس های مدرسه ابتدایی روستای شین آباد پیرانشهر ۳۷ تن از دانش آموزان این مدرسه دچار سوختگی های شدید شدند و عده ای از آنان به علت شدت جراحات به مراکز درمانی استان های همجوار و پایتخت منتقل شدند.

در حادثه آتش سوزی مدرسه شین آباد دو دانش آموز به نام های "سارینا رسول زاده" و "سیران یگانی" بر اثر شدت جراحات جان خود را از

تعدادی از دانشجویان دانشگاه تهران و فعالان حقوق کودک عصر روز گذشته ۱۵ آذر، با تجمع در پارک لاله تهران و در سالروز حادثه آتش سوزی مدرسه روستای شین آباد یاد و خاطره دانش آموزان قربانی را گرامی داشتند. در این گردهمایی حاضرین با بر افروختن شمع و در دست داشتن عکس قربانیان از مسئولین مربوطه درخواست کردند تا پیش از آنکه دیر شود به وضعیت کودکان آسیب دیده این حادثه رسیدگی کنند.

از صفحه ۴ احزاب حاکم...

تظاهر کنندگان دیروز جلو زندان اربیل، را باید به حرکتی اجتماعی تبدیل نمود نهادهای مدافع حقوق انسانی و احزاب سیاسی چپ و کمونیست در کردستان عراق باید با پیش گذاشته و این انسان ها را که جرمی غیر از نه گفتن به اعدام و کشتار رژیم هار اسلامی ندارند را آزاد نمایند.

در اینجا باید احزاب و سازمانهای سیاسی ایرانی مقیم کردستان عراق را که همانگونه که شلیر بابیر می گوید دستگیر شدگان یا اعضا و هوادار و یا حتی نماینده رسمی شان هستند بخاطر ملاحظاتشان و یا بعضا تحت فشار های این احزاب به نوعی سکوت کرده اند را مورد سؤال قرار داد که مناسبات با چنین احزاب حاکم بر کردستان

چنین احزاب حاکم بر کردستان

آنها گردد».

نوامبر ۲۰۱۳

از طریق سایت های زیر به کتاب

یک دنیای بهتر

می توانید دسترسی پیدا کنید،

www.wpiran.org

حزب کمونیست تارگری ایران

آرشو عمومی منصور حکمت

www.hekmat.public-archive.net



صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E-mail: farzam.karbasi@gmail.com

زندگی شاد، ایمن و خلاق
حق مسلم کودکان است!

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!